

شاخص‌سازی و رتبه‌بندی عملکرد جمعیتی شهرهای جدید در ایران با تأکید بر عوامل اجتماعی و اقتصادی*

مجید کوششی^۱، سراج‌الدین محمودیانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۱۱

چکیده

امروزه وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهرهای جدید و نیز بارگذاری جمعیتی آنها از مهم‌ترین موضوعاتی است که توجه سیاست‌گذاران و محققان حوزه اجتماعی را به خود جلب نموده است. هدف از پژوهش حاضر مطالعه وضعیت اجتماعی و جمعیتی شهرهای جدید در ایران است. نظریه‌های شهر خطی و توسعه مرحله‌ای یک ناحیه شهری چارچوب نظری تحقیق حاضر است. تحقیق حاضر از نوع کمی و بر پایه تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ است. برای این منظور از بین تمامی شهرهای جدید، تعداد ۱۲ مورد از آنها، که هم موفق به جذب جمعیت شده و هم در سال ۱۳۹۵، از نقاط شهری کشور به‌شمار آمده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که تمامی شهرهای جدید در دوره مورد بررسی در شاخص‌های اقتصادی و جمعیتی_اجتماعی روند نسبی بهبود را طی کرده‌اند و نمره تمامی شهرها در این زمینه، روند صعودی داشته است. شهرهای جدید صدر، بهارستان و اندیشه بالاترین نمره در شاخص‌های جمعیتی و اجتماعی را کسب کرده‌اند. شهرهای مذکور از نظر معرف‌های کالبدی و فضایی، یعنی فاصله از مادرشهر و تراکم شهری در وضعیت خیلی مناسبی قرار دارند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نشانگرهای فوق مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عملکرد شهرهای جدید در ایران هستند.

واژگان کلیدی: شهرهای جدید، تحلیل ثانویه، فاصله از مادرشهر، تراکم شهری، رشد جمعیت

* این مقاله برگرفته از نتایج پژوهشی طرح «مطالعه وضعیت و تغییرات جمعیتی - اجتماعی ساکنان شهرهای جدید» است که براساس قرارداد فی مابین دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و شرکت مادر- تخصصی عمران شهرهای جدید، انجام شده است.

۱. استادیار جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ پست الکترونیکی: kooshesh@ut.ac.ir

۲. استادیار جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز؛ پست الکترونیکی: serajmahmoudiani@gmail.com

مقدمه

به موازات رشد مناطق شهری، مردم آن مناطق به‌طور معمول، از شهر اصلی به حومه شهر سرریز می‌شوند که این موضوع زمینه شکل‌گیری شهرهای جدید را فراهم می‌کند (کنی و رینکه^۱، ۲۰۱۱: ۷۶). تمرکززدایی با تأکید بر احداث شهرهای جدید موضوعی است که سابقه آن بیشتر به اواخر قرن هجدهم برمی‌گردد (روشمان^۲، ۱۹۷۶: ۵). طراحی و ساخت مراکز جدید شهری می‌تواند بُعدی از یک استراتژی جامع ملی در راستای توسعه و گسترش سکونتگاه‌هایی در نظر گرفته شود که فرصت‌های سکونت و اشتغال را در یک چارچوب منطقه‌ای فراهم می‌کند (ترنر و اسمولیان^۳، ۱۹۷۱؛ پژوهشنامه موزه مدرن^۴، ۱۹۴۷؛ کنی و رینکه^۱، ۲۰۱۱: ۷۶). تاریخچه شهرهای جدید به شکل امروزی آن را می‌توان به پس از انقلاب صنعتی و مشخصاً بعد از جنگ جهانی دوم، متعلق دانست. درواقع، شهرهای جدید پس از جنگ جهانی دوم، الگویی برای کمک به حل مشکلات اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و محیطی شهرهای مادر یا بزرگ در نظر گرفته می‌شوند. براساس برخی منابع، شروع حرکت احداث شهرهای جدید معاصر را باید از کشور انگلستان دنبال کرد (ابراهیم‌زاده و نگهبان‌مروی، ۱۳۸۳؛ آیتی و کمیلی، ۱۳۹۰). ایجاد اولین شهرهای جدید در کشور بریتانیا، در پاسخ به مسائل شهری در دستور کار قرار گرفت تا از آن طریق مردم را به جابه‌جایی به بیرون از شهرهای پرتراکم تشویق کنند. طرح ایجاد شهرهای جدید پس از جنگ جهانی دوم را می‌توان بزرگترین برنامه عمومی بریتانیا در راستای تمرکززدایی و مقابله با مسائلی همچون ترافیک، آلودگی و مرگ‌ومیر بالای ناشی از این موارد دانست (الکساندر^۵، ۲۰۰۹: ۴).

سابقه شهرهای جدید در ایران به اوایل قرن حاضر برمی‌گردد که در ابتدا احداث آن شهرها اصولاً بر پایه مسائل سیاسی و نظامی قرار داشت (آیتی و کمیلی، ۱۳۹۰: ۹۸). احداث شهرهای جدید پس از انقلاب اسلامی، با اهداف دیگری نیز دنبال شده است. مشخصاً در اواسط دهه ۱۳۶۰، موضوع شهرهای جدید به‌عنوان خط‌مشی برای حل بخشی از مشکلات شهری کشور مطرح و مورد توجه قرار گرفت. در همین راستا، وزارت مسکن و شهرسازی احداث تعداد ۲۶ شهر جدید را در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مورد تصویب قرار داد (منوری و طیبیان، ۱۳۸۵: ۲). با توجه به موفقیت بریتانیا در این زمینه، در ایران نیز بیشتر از الگوی بریتانیا در احداث شهرهای جدید بهره برده شده است. تمرکززدایی از

1. Spill
2. Kenny and Reinke
3. Rushman
4. Turner and Smulian
5. The Bulletin of the Museum of Modern
6. Alexander

شهرهای بزرگ، جذب مازاد جمعیتی شهرهای بزرگ و مادر از طریق ایجاد کانون‌های اشتغال در شهر جدید، جلوگیری از توسعه بی‌رویه مادرشهر، سبک شدن بار ترافیک در داخل مادرشهر، جلوگیری از ایجاد حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ، انتقال برخی صنایع از شهرهای بزرگ به شهرهای جدید، انتقال کارگاه‌ها و صنایع مزاحم و بعضاً بدون مجوز از مادرشهر به شهر جدید، پایش مادرشهر به‌منظور سازماندهی توسعه آن به‌صورت منفصل، تأمین مسکن از ران‌تر و تعادل بخشی به فضای منطقه از اهم اهداف ساخت و احداث شهرهای جدید در ایران به‌شمار می‌آید (شکوهی، ۱۳۸۱: ۹۶). به‌علاوه، از دیگر اهداف شکل‌گیری شهرهای جدید جهت‌دهی به جریان‌های مهاجرتی از کلان شهرها به‌سوی این شهرهاست. به این معنا که قرار است شهرهای جدید بخشی از مهاجران وارد شده به مادرشهرها را نیز به خود جذب کنند. مطالعات (آیتی و کمیلی، ۱۳۹۰؛ بزی و افراسیابی‌راد، ۱۳۸۸؛ قرخلو و پناهنده‌خواه، ۱۳۸۸) نشان داده‌اند که اکثریت شهرهای جدید در نیل به اهداف جمعیتی مورد نظر و از قبل پیش‌بینی شده خود موفقیت چندانی کسب نکرده‌اند. در راستای مسئله فوق، سؤالاتی که در این پژوهش مورد بررسی واقع شده‌اند عبارت‌اند از:

۱. وضعیت اجتماعی_جمعیتی شهرهای جدید در زمان کنونی چگونه است؟ ۲. شهرهای جدید در دوره ۹۵-۱۳۸۵ و براساس اطلاعات سرشماری‌ها چه تغییرات جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده‌اند؟
۳. هر شهر جدید در مقایسه با سایر شهرها در چه رتبه و جایگاهی از نظر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و کالبدی قرار می‌گیرد؟

ادبیات نظری و تجربی

در دوره‌های مختلف تاریخی و در اقصی نقاط دنیا، شهرهایی با اهداف مختلف ایجاد شده‌اند که می‌توان به‌عنوان شهرهای جدید از آنها یاد کرد. پس از انقلاب صنعتی، دو نظریه اصلاح‌گرایی و آرمان‌گرایی مطرح شد که اصلاح‌گرایان در چارچوب دیدگاه فن‌شناختی به طرح سامان‌دهی فضایی شهرها پرداختند و در مقابل آرمان‌گرایان، به ایجاد شهرهای تخیلی در مقابل شهرهای صنعتی باور داشتند (آیتی و کمیلی، ۱۳۹۰: ۹۸). نظریه شهر خطی، نظریه باغشهر، نظریه شهر صنعتی و درنهایت نظریه واحد همسایگی را می‌توان مبانی نظری اصلی درباب ایجاد و شکل‌گیری شهرهای جدید دانست. نظریه شهر خطی در سال ۱۸۸۲، توسط سوریا ماتا^۱ ارائه شد. او تمامی مشکلات شهری را ناشی از مشکلات ترافیک می‌دانست و بهترین وضعیت برای هر شهر را آن‌طور تلقی می‌کرد که هر شهروند در کوتاه‌ترین زمان ممکن بتواند از محل سکونت خود به سایر نقاط درون شهری جابه‌جا شود. ماتا بهترین وسیله حمل‌ونقل را راه‌آهن می‌دانست و بیان کرده است که راه‌آهن نه تنها از نظر سرعت و توالی رفت‌وآمد و قیمت وسیله قابل

1. Sorya Mata

اطمینانی است، بلکه شکل خطی را برای شهرها ایجاد می‌کند و این شکل خطی شهر باعث تغییر جهت مهاجرت‌های خطرناک و بی‌نظم روستا-شهری می‌شود (استروفسکی، ۱۳۷۸: ۱۸-۱۹). هاوارد^۱ در سال ۱۸۹۸، پس از بررسی زبان‌های صنایع در بریتانیا، مفهوم باغشهر را مطرح کرد طوری که نظریه او خیلی سریع به نقطه عطفی در تاریخ برنامه‌ریزی شهری مبدل شد (هیراسکار، ۱۳۷۶: ۲۲). وی با ارائه این نظریه به برنامه‌ریزی منطقه‌ای کمک قابل توجهی کرد و بر این باور بود که با ایجاد چند باغشهر در اطراف شهرها، می‌توان به تمرکززدایی از شهرهای بزرگ مبادرت کرد، طوری که جمعیت و صنعت از مادرشهرها خارج شود و به عبارتی نوعی پخشایش در صنعت و جمعیت شکل گیرد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۸). نخستین باغشهر انگلستان در سال ۱۹۰۴، تأسیس و لچورث^۲ نام‌گذاری شد که در ۳۵ مایلی شهر لندن قرار دارد. همچنین در سال ۱۹۱۹، به پیشنهاد هاوارد، دومین باغشهر در انگلستان، یعنی ولوین^۳، که در مقایسه با باغشهر نخست فاصله کمتری با شهر لندن دارد، شروع به ساخت کرد (بیورس^۴، ۱۹۸۸: ۱۰۸). هم‌زمان با نظریه باغشهر هاوارد، نظریه شهر صنعتی توسط گارنیه مطرح شد. گارنیه شیفته شکل معماری یک شهر قرن بیستمی بود که بتواند جوابگوی نیازهای ناشی از پیشرفت‌های اجتماعی و فنی باشد. وی این نظریه را در سال ۱۹۱۹ در زادگاه خود، یعنی لیون فرانسه و در مقیاسی ساده، به منصه ظهور رساند (استروفسکی، ۱۳۷۸: ۴۷). نظریه واحد همسایگی، چهارمین نظریه مهم در باب شهرهای جدید است که پری^۵ و در سال ۱۹۲۳، مطرح کرده است. از نظر او، واحد همسایگی واحد کوچکی است که در مقیاس جامعه محلی خدمات لازم را ارائه می‌دهد (هیراسکار، ۱۳۷۶: ۸۷). بعدها و به تبعیت از نظریه پری، در نیوجرسی آمریکا شهر جدید رادبرن^۶ توسط رایت و اشتاین^۷ احداث شد. این شهر جدید برای جمعیتی ۲۵۰۰۰ نفری و متشکل از ۳ واحد همسایگی با ۷۵۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت طراحی شد. هرچند به دلیل بحران‌های اقتصادی آن زمان، این طرح به‌طور کامل اجرا نشد (زیاری، ۱۳۷۸: ۲۶). در مقابل سه نظریه مطرح شده فوق، نظریه دیگری که با توسعه شهرهای جدید در ارتباط بوده و در برخی مطالعات به آن ارجاع داده شده، نظریه توسعه مرحله‌ای یک ناحیه شهری است. این فرض که نواحی شهری مراحل مختلفی را طی خواهند کرد، در ابتدا توسط هال^۸ در سال ۱۹۷۳، مطرح و بعدها توسط ون‌دبرگ^۹ و دیگران

-
1. Howard
 2. Lethwort
 3. Welwyn
 4. Beevers
 5. Perry
 6. Rodburn
 7. Right and Stein
 8. Hall
 9. Van Den Berg

در سال ۱۹۸۲، توسعه یافت. در این مدل، تلاش شده است تا توسعه شهرهای جدید را با تغییر در ساخت سیستم شهری مرتبط کنند (شکوهی، ۱۳۸۱: ۹۷). بر پایه این مدل، یک ناحیه شهری به ترتیب مرحله اول شهرنشینی، مرحله حومه‌نشینی و مرحله ضد شهرنشینی را طی خواهد کرد. مرحله نخست یا همان مرحله اول شهرنشینی، مرحله‌ای است که اقتصاد کشاورزی به تدریج به اقتصاد صنعتی تبدیل خواهد شد. در این مرحله، به دنبال شکل‌گیری مشاغل صنعتی در برخی نقاط، مهاجرت روستا-شهری شدت می‌گیرد و شهرها ایجاد می‌شوند. این مرحله برای مناطق صنعتی بعد از انقلاب صنعتی و در کشورهای توسعه‌نیافته بعد از جنگ جهانی دوم، اتفاق افتاد. در مرحله دوم، که با عنوان حومه‌نشینی شناخته شده است، با توجه به گسترش خدمات حمل و نقل و دسترسی آسان‌تر به مرکز شهر و نیز جمعیت زیاد مناطق شهری برخی از ساکنان شهرهای بزرگ به حاشیه شهر جابه‌جا می‌شوند و به عبارتی حومه‌ها را شکل می‌دهند. از مرحله سوم، تحت‌عنوان مرحله ضد شهرنشینی یاد می‌شود که در این مرحله، جابه‌جایی جمعیت به سوی حومه‌ها ادامه دارد و در مقابل، جمعیت در مرکز شهر رو به کاهش می‌نهد. در این مرحله است که شهرهای جدید از نوع اقماری در ابتدای شکل‌گیری و حیات خود هستند. ارزان بودن مسکن از مزایای این نوع شهرهاست که شاید باعث جذب جمعیت از کلان‌شهرها شود (هال^۱، ۱۹۷۴). الگوی ایجاد شهرهای جدید در ایران، به تبعیت از خاستگاه آن، یعنی انگلستان، و تفکر ایده‌آلیستی باغشهرها گرفته شده و ایران از جمله کشورهایی است که برای تعداد زیادی از کلان‌شهرهای خود شهرهایی جدید با کارکرد اصلی جذب سرریز جمعیت از مادرشهرهای طراحی و ایجاد کرده است (زیاری، ۲۰۰۶: ۴۱۶).

با توجه به اهمیت موضوع از دیرباز، مطالعات عدیده‌ای در مورد شهرهای جدید و ابعاد مختلف آن به انجام رسیده است. باوجوداین، مطالعه‌ای که به‌طور جامع، به ارزیابی و تحلیل وضعیت تمامی شهرهای جدید در ایران و عملکرد آنها پرداخته باشد در دسترس نیست. شهرهای جدید با اهداف و مأموریت‌های خاص و عدیده‌ای ایجاد شده‌اند که بازتوزیع جمعیت شهری و سرریزپذیری جمعیت کلان‌شهرها از مهم‌ترین اهداف این شهرها در نظر گرفته شده است. بااین‌حال، جذب سرریز جمعیت به‌واسطه ایجاد شهرهای جدید مهم‌ترین هدف در ایجاد این نوع شهرهاست (اسمیت^۲، ۱۹۶۶). مشکلات عدیده کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی و برنامه‌ریزی مانع از عملکرد جمعیتی مناسب شهرهای جدید در ایران شده است. ارزیابی عملکرد شهرهای جدید در ابعاد مختلف آن (فتاحی، ۱۳۹۵؛ قرخلو و پناهنده‌خواه، ۱۳۸۸؛ قرخلو و عابدینی، ۱۳۸۸؛ حسین‌زاده‌دلیر و همکاران، ۱۳۹۱) نشان می‌دهد که بیشتر شهرهای جدید در ایران، در زمان مطالعات انجام شده به‌طور کامل، به اهداف از پیش تعیین شده خود دست نیافته‌اند و اگر

1. Hall

2. Smith

موفقیتی کسب شده، نسبی بوده است. بیشتر شهرهای جدید صورت دیگری پذیرفته‌اند و ضمن دور افتادن از اهداف اولیه و مصوب خود به سکونتگاه‌هایی تبدیل شده‌اند که ساکنان آن برای اهداف خاص خود از آن استفاده می‌کنند.

خوابگاهی شدن شهرهای جدید یکی از کارکردهای این نوع شهرهاست که از اهداف اولیه آن نیست، اما برخی ساکنان این شهرها چنین صورتی به این شهرها بخشیده‌اند. شهر جدید اندیشه در استان تهران، تنها شهر جدیدی است که به دلیل رعایت شدن برخی مسائل در حوزه شاخص‌های کالبدی مسکن در مقایسه با سایر شهرهای جدید از وضعیت مناسب‌تری در ارتباط با تحقق اهداف خود قرار دارد و نیز براساس برخی مطالعات انجام شده در این حوزه (جوهری و مرادی‌مسیحی، ۱۳۹۰)، بیشترین تأثیر مثبت را در تعادل بخشی به فضای سکونت و اشتغال منطقه‌ای به‌شکلی برنامه‌ریزی شده داشته است. در همین راستا، بررسی‌ها (بزی و افراسیابی‌راد، ۱۳۸۸) نشان داده است که شهر جدید صدرا، که بیشتر به‌منظور جذب جمعیت از کلان‌شهر شیراز طرح‌ریزی و موفق به جذب نسبی جمعیت از شهر شیراز شده، متأثر از قیمت مناسب زمین و مسکن و وضعیت کلی این شاخص این موفقیت نسبی را کسب کرده است. مطالعه -ای (کامران و همکاران، ۱۳۸۸) در شهر جدید پردیس نشان داده است که با توجه به ساختار فرهنگی گروه‌های متفاوتی که در این مکان‌ها زندگی می‌کنند، جمع شدن این گروه‌ها در کنار همدیگر می‌تواند منجر به نوعی ناهم‌آهنگی و عدم تعادل در جامعه شود و زمینه‌های شکل‌گیری مشکلات فرهنگی-اجتماعی را فراهم کند. بنابراین آسیب‌های اجتماعی پیش‌رو در این نوع شهرها نیز باید محل توجه باشد و برای مطالعه و تحلیل آن اقدام شود. خودکفایی در سفرهای غیرکاری عاملی شناخته شده است که از طریق فرایند تراکمی طولانی مدت و گام‌به‌گام محقق می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت شهرهای جدید خودکفایی و تدوین مسیر درست برای دستیابی به خودکفایی است. شواهد تجربی (یاران و محمدی‌خوش‌بین، ۱۳۹۱؛ داداش‌پور و اکبرنیا، ۱۳۹۲) نشان داده‌اند که یکی از عوامل عدم موفقیت برخی شهرهای جدید در ایران عامل سفرهای غیرکاری است.

عملکرد مناسب یا نامناسب شهرهای جدید در جذب و بارگذاری جمعیت بی‌تردید متأثر از عوامل اجتماعی-اقتصادی متعددی است. قیمت مناسب زمین و مسکن و تفاوت این قیمت با مادرشهرهای مجاور از مهم‌ترین عوامل ذکر شده (بزی و افراسیابی‌راد، ۱۳۸۸؛ تیموری و کیوان، ۱۳۹۰؛ شکوهی و همکاران، ۱۳۹۱) برای عملکرد جمعیتی شهرهای جدید بوده است. بررسی‌ها (بزی و افراسیابی‌راد، ۱۳۸۸ و شکوهی و همکاران، ۱۳۹۱) نشان داده‌اند که بارگذاری جمعیتی موفق شهر جدید اندیشه در استان تهران و/یا موفقیت نسبی شهر جدید صدرا در جذب جمعیت از کلان‌شهر شیراز با وضعیت مسکن و ابعاد مختلف آن در این دو شهر در ارتباط بوده است. از آنجایی که، شهرهای جدید در زمینه شغلی و

خودکفایی خدماتی استقلال لازم را نداشته و همواره برای بازار کار و تأمین نیازهای ساکنان به کلان-شهرها وابسته‌اند، فاصله شهرهای جدید از کلان‌شهر مجاور خود از دیگر عوامل مهم مؤثر در جذب جمعیت به این شهرهاست. برای نمونه، برخی مطالعات (تیموری و کیوان، ۱۳۹۰ و شکوهی و همکاران، ۱۳۹۱) نشان داده است که میزان فاصله از کلان‌شهر تهران از مهم‌ترین عوامل مؤثر در جذب جمعیت به شهر جدید اندیشه بوده است.

شهرهای جدید استان تهران از انواع شهرهای جدید اقماری هستند و هدف از ساخت این نوع شهرها، عرضه مسکن ارزان قیمت همراه با خودکفایی خدماتی است. از آنجایی که شهرهای جدید تهران، در زمینه خودکفایی شغلی و خدماتی، استقلال کافی را ندارند و همواره برای بازار کار و تأمین نیازهای ساکنان به کلان‌شهر تهران وابسته هستند، بنابراین شهر جدید اندیشه، که در فاصله کمتری از کلان‌شهر تهران قرار دارد، از عملکرد جمعیتی بهتری در مقایسه با سایر شهرهای جدید مانند پردیس و پرند برخوردار بوده است. عدم موفقیت نسبی شهرهای جدید در جذب سرریز جمعیت از عوامل اقتصادی-اجتماعی بازدارنده‌ای تأثیر پذیرفته است. فقدان اشتغال در شهرهای جدید، از مهم‌ترین عوامل بازدارنده کارآمدی شهرهای جدید است. به علت فقدان اشتغال در شهرهای جدید عملکرد این شهرها حداقل در سال‌های اولیه، جز در موارد استثنایی، به‌صورت شهر خوابگاهی بوده است. به‌علاوه، در برخی شهرهای جدید، برخی خدمات اولیه مانند مدارس و درمانگاه ساخته شده است؛ اما به علت پایین بودن جمعیت شهر، این خدمات به دامنه جمعیتی لازم برای بهره‌برداری نرسیده‌اند و ازسویی دیگر، تأمین خدمات رده بالاتر نیز با جمعیت‌های کم ممکن نیست. بی‌هویتی شهرهای جدید، عدم تطابق شهرهای جدید با فرهنگ ساکنان، خوابگاهی بودن و مکان‌یابی نامناسب از عوامل مهم تأثیرگذار بر ناتوانی شهرهای جدید در جذب جمعیت پیش‌بینی شده خود بوده که در برخی دیگر از مطالعات پیشین نشان داده شده است (اکبریور سراسکانرود و میرزاجایی، ۱۳۸۹). عدم ارائه خدمات شهری مطلوب و کافی، دسترسی ضعیف به انواع کاربری‌ها و مشکلات حمل‌ونقل برون شهری، گرانی هزینه اجاره و خرید مسکن از دیگر عوامل بازدارنده‌ای است که در شماری از پژوهش‌های انجام شده (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲؛ اکبریور سراسکانرود و میرزاجایی، ۱۳۸۹؛ وارثی و همکاران، ۱۳۹۲) به‌دست آمده و مانع از موفقیت عمده شهرهای جدید شده است. در همین زمینه، مطالعه‌ای در شهر جدید سهند (قرخلو و عابدینی، ۱۳۸۸) نشان داده که شهر مذکور با هدف کاهش مشکلات جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی کلان‌شهر تبریز احداث شده است، اما این شهر جدید در عمل، نتوانسته است از مشکلات کلان‌شهر تبریز بکاهد و به‌عبارتی اهداف از پیش تعیین شده آن عملی نشده است. مشکلات متعدد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی در شهر جدید سهند مانع موفقیت این

شهر در جذب سرریز جمعیت کلان‌شهر تبریز شده که یافته‌های دیگر (حسین‌زاده‌دلیر و همکاران، ۱۳۹۱) نیز مؤید همین مطلب است.

پایداری اسکان و جمعیت در شهرهای جدید از دیگر مباحث حایز اهمیت در این حوزه است. بی‌تردید، بارگذاری و جذب جمعیت در بررسی عملکرد شهرهای جدید مهم است، اما ظرفیت شهرهای جدید در نگاهداشت جمعیت یا همان پایداری اسکان مهم‌تر است چراکه ممکن است شهری در ابتدا، موفق به جذب جمعیت شود اما در ادامه، قابلیت نگاهداشت جمعیت خود را نداشته باشد و بخشی از جمعیت آن شهر مهاجرت کنند. ماندگاری جمعیت و تمایل به ماندن باید از طریق فراهم نمودن کیفیت مطلوب زندگی تقویت شود. در همین راستا، برخی مطالعات (پرتی^۱ و همکاران، ۲۰۰۶؛ لانگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۲؛ رستمعلی‌زاده و قاسمی‌ارهایی، ۱۳۹۶) نشان داده‌اند که کیفیت زندگی، رضایت و احساس تعلق به اجتماع محلی و نیز تعلق به مکان و هویت مکانی در ماندگاری جمعیت تأثیرگذارند. علاوه بر عوامل مزبور که بیشتر جنبه روانی دارد، برخی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی دیگر مانند وضعیت اشتغال، سطح درآمد و وضعیت مسکن از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر تمایل به ماندن یا رفتن است.

مرور مطالعات پیشین نشان داد که مطالعه‌ای جامع که تمامی شهرهای جدید را دربر گیرد انجام نشده است. هریک از مطالعات پیشین بر متغیرهای محدود و مشخصی تأکید داشته‌اند. مطالعه حاضر در پی آن است که با در نظر گرفتن مهم‌ترین متغیرهای جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی از سویی شاخص-هایی اجتماعی-اقتصادی، جمعیتی و کالبدی-فضایی ساخته شود و از سویی شاخص‌های مذکور برای تمامی شهرهای جدید مورد سنجش قرار گیرد تا بتوان جایگاه هریک از شهرهای جدید را در شاخص‌های فوق‌الذکر تعیین نمود. بنابراین جامع بودن مطالعه حاضر از نظر نمونه‌های مورد بررسی و نیز از نظر متغیرهای استفاده شده مهم‌ترین وجه تمایز این مطالعه با مطالعات پیشین است.

متغیرهای تحقیق

داده‌های مبنا برای مطالعه وضعیت و تغییرات جمعیتی-اجتماعی و ساختن شاخص ارزیابی شهرهای جدید یا از نتایج تفصیلی سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ گرفته شده و/یا نیز به‌طور مشخص، برای خصوصیات کالبدی-فضایی از برنامه‌های کاربردی و شبکه اینترنت استفاده شده است. معرف‌های «اجتماعی، اقتصادی، کالبدی-فضایی و جمعیتی» چهار معرف اصلی تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند. نشانگرهای باسوادی مردان و زنان در تحقیق حاضر، معرف‌های اجتماعی به‌شمار می‌آیند. این اطلاعات از

1 . Pretty

2 . Long

داده‌های سرشماری اقتباس شده است؛ لذا تعریف مفهومی و عملیاتی آن نیز مبتنی بر تعاریف متداول سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کشور است. باسواد از طریق تقسیم جمعیت باسواد ۶ ساله و بالاتر بر کل جمعیت ۶ ساله و بالاتر محاسبه می‌شود. نشانگرهای «نرخ بیکاری مردان و نشانگر نسبت جمعیت جوان» نشان‌دهنده معرف اقتصادی به‌شمار می‌آیند. نرخ بیکاری از طریق تقسیم جمعیت بیکار بر مجموع جمعیت بیکار و شاغل محاسبه خواهد شد. جمعیت جوان نیز براساس تعریف جمعیتی آن شامل جمعیت ۱۵ تا ۲۹ ساله‌هاست. «تراکم جمعیت شهری و فاصله از مادرشهر» دو نشانگری هستند که برای ساخت معرف کالبدی-فضایی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. تراکم شهری بدین معناست که در هر هکتار از شهر مورد نظر چند نفر در حال زندگی هستند، یعنی از طریق تقسیم کل جمعیت هر شهر جدید بر مساحت آن شهر جدید (به هکتار) به‌دست خواهد آمد. فاصله از مادرشهر نیز همان مسافت شهر جدید تا مادرشهر است که برحسب کیلومتر بوده و با استفاده از برنامه Google Map استخراج شده است. معرف جمعیتی در مطالعه حاضر، دربرگیرنده نشانگرهای «بُعد خانوار، سهم جمعیتی کودکان و عملکرد جمعیتی» است. بعد خانوار از طریق تقسیم کل جمعیت هر شهر جدید بر تعداد خانوارهای آن شهر به‌دست خواهد آمد. در غیاب داده‌های تعداد فرزندان زنده به‌دنیا آمده و به‌منظور ترسیم تصویری از وضعیت و سطح باروری یک جمعیت می‌توان به سهم جمعیتی کمتر از ۱۵ ساله‌ها یا به‌عبارتی دیگر، سهم جمعیتی کودکان رجوع کرد و سطح باروری جمعیت‌های مختلف را باهم مقایسه کرد. منظور از نشانگر عملکرد جمعیتی توانایی شهرهای جدید در جذب جمعیت و/یا همان بارگذاری جمعیت است. نشانگر مذکور در مطالعه حاضر، از طریق ضرب میزان رشد جمعیت شهر جدید در لگاریتم جمعیت پایه محاسبه خواهد شد.

روش تحقیق

این پژوهش متشکل از تحلیل‌هایی است که روی داده‌های موجود و در دسترس صورت گرفته و درواقع روش آن تحلیل ثانویه است. به‌طورکلی، برای محاسبه شاخص‌های مورد نظر و ارزیابی وضعیت جمعیتی و اجتماعی ساکنان شهرهای جدید اولین کار امکان‌سنجی و بررسی دسترسی به داده‌هاست. مرحله دوم، خلاصه کردن متغیرها و مؤلفه‌هاست. قبل از انجام محاسبات شاخص، لازم است چارچوب نهایی متغیرهای کلیدی برای تعیین مؤلفه‌ها و/یا معرف‌های هر دامنه تعیین و با روش‌های متعارف در تعداد کمی از متغیرها خلاصه شوند. مرحله سوم، همسوسازی معرف‌ها یا مؤلفه‌هاست یعنی پس از مشخص شدن اطلاعات مورد نیاز و استخراج آنها و/یا ارزیابی درستی و دقت و خطای اطلاعات، کسرها، نسبت‌ها و میانگین‌ها به شرح آمده در ابتدای این قسمت محاسبه خواهند شد. متغیرها یا نسبت و کسر هستند که در این صورت، تنها کاری که انجام خواهد شد هم‌جهت کردن آنهاست. به این معنی که همه آنها دقیقاً در

یک جهت به ارزیابی وضعیت پردازند. مثلاً دو متغیر «نسبت باسواد» و «میزان بیکاری» هم‌جهت نیستند. میزان باسواد تفاوت وضعیت ساکنان شهرهای جدید را در جهت مثبت و میزان بیکاری این وضعیت را در جهت منفی ارزیابی می‌کند. برای هم‌جهت کردن آنها لازم است از کسرهایی که مکمل یکی از این دو نسبت هستند استفاده شود. مرحله چهارم، محاسبه نمرات هر معرف است. از آنجاکه هدف این پژوهش هم ارزیابی و پایش کلی وضعیت جمعیتی-اجتماعی در شهرهای جدید است و هم ارزیابی در جزئیات، بنابراین لازم است، هم نمره هر مؤلفه یا معرف اندازه‌گیری شود و هم نمره هر دامنه. برای مثال، مهم است که تفاوت‌های شهرهای جدید را هم در اجزای شاخص و هم در هر دامنه مثلاً جمعیتی یا اجتماعی-اقتصادی ارزیابی شود. درنهایت نیز نمره کلی شاخص یک ارزیابی کلی از زندگی ساکنان شهرهای جدید را نشان می‌دهد. نمره هر مؤلفه یا معرف که به‌طور مجزا، برای هر متغیر محاسبه می‌شود، با روش مناسب برای نوع اندازه‌گیری متغیر به‌دست می‌آید. در مورد نسبت‌ها (درصد) مقدار یا نمره هر متغیر را می‌توان با فرم عمومی زیر محاسبه کرد:

$$i_j = \frac{R_j - R_L}{R_U - R_L} \times 100 \quad (1)$$

در این فرم، i حرف اول indicator یا معرف در هر دامنه و اندیس j ردیف هر متغیر یا معرف در یک دامنه مشخص است. متغیر نسبت با R نشان داده شده و U و L به‌ترتیب نشان‌دهنده بیشترین و کمترین مقدار مشاهده شده برای اندازه هر متغیر در میان شهرهای جدید است. این رابطه نمره متغیر j ام در هر دامنه را اندازه می‌گیرد. وقتی متغیر یا مؤلفه دامنه مورد نظر رقم مطلق و/یا سرانه (غیر از نسبت‌ها) باشد، فرم زیر برای محاسبه نمره آن متغیر به‌کار برده می‌شود:

$$i_j = \frac{\log N_j - \log N_L}{\log N_U - \log N_L} \times 100 \quad (2)$$

در این معادله N نشان‌دهنده مقدار سرانه یا تعداد است و اندیس j ردیف متغیر یا i امین متغیر در هر دامنه را نشان می‌دهد. نمره به‌دست‌آمده از رابطه فوق مقدار این نمره را برای یک متغیر در هر دامنه از صفر تا ۱۰۰ مشخص می‌کند. مرحله پنجم، محاسبه نمرات هر دامنه خواهد بود. از آنجاکه ارزیابی و پایش وضعیت جمعیتی-اجتماعی ساکنان شهرهای جدید در هر دسته از متغیرها که یک دامنه نامیده می‌شود، جزئیات بیشتری از وضعیت مورد بحث را مشخص می‌کنند و این امر مقایسه و رتبه‌بندی نمرات برحسب موضوع معین در دامنه‌ها را ممکن می‌سازد، پیش از محاسبه شاخص کلی و نهایی ارزیابی وضعیت جمعیتی-اجتماعی، محاسبه نمره در هر دامنه ضروری است. نمره شاخص در هر دامنه با علامت I و شماره دامنه با اندیس j نشان داده می‌شود. فرمول کلی محاسبه نمره شاخص‌های موضوعی (در هر دامنه) به‌صورت زیر نوشته می‌شود:

$$I_j = i_1^{w_1} \times i_2^{w_2} \times i_3^{w_3} \times \dots \times i_k^{w_k} = \sqrt[n]{i_1 \times i_2 \times i_3 \times \dots \times i_k} \quad (۳)$$

در این فرمول نمره شاخص برای I_j امین دامنه از شاخص کلی I با توجه به تعداد متغیرها یا معارفها در هر دامنه n در صورتی که وزن متغیرها w برابر باشد، محاسبه می‌شود. به عبارت دیگر نمره شاخص برای هر دامنه برابر است با میانگین هندسی نمرات k تعداد از متغیرها در همان دامنه. در صورتی که وزن متغیرها w برابر نباشد، می‌توان از رابطه زیر استفاده کرد:

$$I_j = i_1^{w_1} \times i_2^{w_2} \times i_3^{w_3} \times \dots \times i_k^{w_k} = \sqrt[n]{i_1^{y_1} \times i_2^{y_2} \times i_3^{y_3} \times \dots \times i_k^{y_k}} \quad (۴)$$

که در آن y توان نمره هر متغیر، متناسب با وزن آن متغیر در محاسبه نمره شاخص دامنه مورد نظر I_j است. برای مثال، اگر تعداد متغیرها ۴ مورد باشد و یکی از آنها وزن بیشتری نسبت به سه متغیر دیگر که سهمی برابر برایشان دیده شده است، داشته باشد، توان سه متغیر زیر رادیکال یک و توان یکی از آنها که وزن بزرگتری دارد، ۲ و در نتیجه n برابر ۵ خواهد بود. یعنی وزن سه متغیر یک‌پنجم و وزن یک متغیر دوپنجم است:

$$I_j = i_1^{\frac{1}{5}} \times i_1^{\frac{1}{5}} \times i_1^{\frac{1}{5}} \times i_1^{\frac{2}{5}} = \sqrt[5]{i_1 \times i_1 \times i_1 \times i_1^2} \quad (۵)$$

مرحله ششم، محاسبه شاخص نهایی می‌باشد. به این ترتیب که نمره به‌دست آمده برای هر دامنه وضعیت مورد نظر را در پیوستاری از نمره صفر تا ۱۰۰ و رتبه این وضعیت را در هر دامنه یا موضوع ارزیابی می‌کند. بنابراین، با استفاده از این نمره می‌توان وضعیت هر شهر جدید را نسبت به شهرهای جدید دیگر رتبه‌بندی کرد. رتبه بالاتر متناظر با نمره بالاتر و نشان‌دهنده وضعیت بهتر شهر مورد نظر است. چنانچه نمره همه دامنه‌ها برابر باشد، نمره شاخص کلی ارزیابی وضعیت جمعیتی-اجتماعی شهرهای جدید برابر با یکی از نمرات به‌دست‌آمده برای هر دامنه خواهد بود. چون فرض برابری نمرات دامنه‌ها بعید است، بنابراین مناسب‌ترین روش برای محاسبه نمره کلی شاخص به همان شیوه‌ای که برای محاسبه شاخص در هر دامنه استفاده شد، میانگین هندسی نمرات دامنه‌هاست. فرم عمومی این محاسبه برای k تعداد از دامنه‌های مورد نظر، تعمیم یافته رابطه‌ای است که برای محاسبه شاخص ارزیابی در هر دامنه ذکر شد:

$$SDI = I_1^{w_1} \times I_2^{w_2} \times I_3^{w_3} \times \dots \times I_k^{w_k} = \sqrt[n]{I_1 \times I_2 \times I_3 \times \dots \times I_k} \quad (۶)$$

در این فرمول، I نمره شاخص، اندیس i ردیف دامنه‌ها و w وزن در نظر گرفته شده در شاخص کلی برای هر دامنه و k آخرین دامنه برای محاسبه این شاخص است. نمره این شاخص از جنس نسبت‌هایی است که در محاسبه دامنه شاخص‌ها به کار برده شده است. به عبارت دیگر، نمره شاخص کلی و نهایی در پیوستاری از نمره صفر تا ۱۰۰ وضعیت جمعیتی-اجتماعی شهرهای جدید را نشان می‌دهد و براساس آن می‌توان شهرهای جدید را به‌طور کلی، رتبه‌بندی کرد. لازم به توضیح است که با توجه به اینکه تعدادی از

شهرهای جدید، که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در برخی سرشماری‌های مرکز آمار ایران، آبادی به‌شمار آمده‌اند، لذا بسیاری از داده‌ها و اطلاعات در مورد این شهرها در دسترس نبوده است. اطلاعات جمع‌آوری شده برای آبادی‌ها، که در اختیار محققان قرار می‌گیرد، با اطلاعات شهرها تفاوت زیادی دارد. در مطالعه حاضر، با توجه به این محدودیت تلاش شده است تمامی داده‌هایی که به‌طور مشترک هم برای نقاط شهری و هم برای آبادی‌ها در هر سه سرشماری اخیر، در دسترس بود از مرکز آمار تهیه و اقدام به محاسبه نشانگرها و معرف‌های فوق‌الذکر شود. در مجموع، تعداد ۱۲ شهر جدید در سال ۱۳۹۵، در کشور وجود دارند که هم موفق به بارگذاری جمعیت شده و هم از نقاط شهری بوده‌اند. شهرهای اندیشه، پردیس و پرند در استان تهران، شهر جدید هشتگرد در استان البرز، شهرهای جدید مجلسی، بهارستان و فولادشهر در استان اصفهان، شهر جدید گلبهار در استان خراسان رضوی، شهر جدید سهند در استان آذربایجان شرقی، شهر جدید مهاجران در استان مرکزی، شهر جدید صدرا در استان فارس و شهر جدید عالی‌شهر در استان بوشهر، شهرهای جدید مورد مطالعه را شامل می‌شوند.

یافته‌ها

در ادامه و براساس معرف‌هایی که در بخش روش تحقیق توضیح داده شد، به محاسبه و بررسی وضعیت شهرهای جدید در هریک از نشانگرها و معرف‌های مورد نظر پرداخته خواهد شد.

معرف‌های اجتماعی

جدول شماره ۱ مقادیر محاسبه شده نشانگر باسوادی شهرهای جدید را نشان می‌دهد. مندرجات جدول از آن حکایت می‌کند که در سال ۱۳۸۵، شهرهای پردیس و سهند به‌ترتیب بالاترین و پایین‌ترین مقدار این نشانگر را به خود اختصاص داده‌اند. با گذشت ۵ سال و براساس یافته‌های جدول مذکور در سال ۱۳۹۰، شهر مهاجران بهترین وضعیت را از نظر سواد دارد و در مقابل، شهر فولادشهر در استان اصفهان، پایین‌ترین جایگاه را در میان شهرهای جدید از آن خود کرده و جایگزین شهر سهند در سال ۱۳۸۵ شده است. در سال ۱۳۹۵ نیز دو شهر پردیس و سهند به‌طور مشترک در رتبه اول قرار گرفته‌اند و در مقابل، هشتگرد در انتهای جدول قرار دارد.

جدول شماره ۱: نمره و رتبه هر شهر جدید از نشانگر باسوادی در سال های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

شهر	۱۳۸۵			۱۳۹۰			۱۳۹۵		
	نمره			نمره			نمره		
	رتبه	کل	مرد	زن	رتبه	کل	مرد	زن	رتبه
پردیس	۱	۹۳	۹۱	۹۴	۳	۸۹/۷	۷۹/۰	۹۲/۸	۱
سهند	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۴	۸۶/۲	۸۳/۳	۸۳/۳	۱
مهاجران	-	-	-	-	۱	۱۰۰/۰	۹۰/۶	۱۰۰/۰	۲
گلپه‌هار	-	-	-	-	-	-	-	-	۳
صدرا	-	-	-	-	۷	۸۰/۰	۷۰/۳	۸۳/۳	۴
عالیشهر	-	-	-	-	-	-	-	-	۵
پرنده	-	-	-	-	-	-	-	-	۶
مجلسی	-	-	-	-	۲	۹۰/۳	۸۵/۵	۸۷/۲	۷
اندیشه	۸۸/۴	۸۹/۷	۸۶/۹	۳	۸۳/۴	۷۹/۰	۸۲/۸	۸۲/۸	۸
بهارستان	۹۱/۲	۹۲/۱	۹۰/۳	۲	۸۰/۰	۷۳/۲	۸۱/۷	۸۱/۷	۹
فولاد شهر	۸۵/۶	۸۹/۷	۸۳/۲	۴	۸۷/۶	۷۶/۱	۷۶/۷	۷۶/۷	۱۰
هشتگرد	۸۸/۴	۸۸/۵	۸۸/۴	۳	۸۴/۸	۷۳/۲	۸۸/۹	۸۸/۹	۱۱

منبع: محاسبات نویسندگان براساس نتایج سرشماری های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

معرفی های اقتصادی

در جدول شماره ۲، نشانگر بیکاری مردان به تفکیک شهرهای جدید محاسبه شده است. اطلاعات جدول گویای آن است که در سال ۱۳۸۵، شهرهای پردیس و سهند در استان های تهران و آذربایجان شرقی، بهترین و شهر فولادشهر در استان اصفهان، بدترین وضعیت را از نظر بیکاری و اشتغال تجربه کرده اند. در سال ۱۳۹۰، شهرهای مهاجران و سهند در استان های مرکزی و آذربایجان شرقی بهترین وضعیت را در نشانگر بیکاری به خود اختصاص داده اند و در مقابل، فولادشهر همچنان پایین ترین نمره و جایگاه را داشته است. در سال ۱۳۹۵، شهرهای پرنده، سهند و مهاجران بهترین وضعیت را از نظر بیکاری مردان و در مقابل گلپه‌هار و فولادشهر بیشترین میزان بیکاری مردان را تجربه کرده اند. نکته قابل تأمل آن است که شهر فولادشهر در استان اصفهان در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ بدترین وضعیت بیکاری مردان را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۲: نمره و رتبه هر شهر جدید از نشانگر نرخ بیکاری مردان، ۱۳۸۵-۱۳۹۵

شهر	۱۳۸۵		۱۳۹۰		۱۳۹۵	
	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه
پرنده	-	-	-	-	۱۰۰/۰	۱
سهند	۷۹/۲	۲	۸۸/۳	۲	۹۸/۲	۲
مهاجران			۱۰۰/۰	۱	۹۱/۵	۳
پردیس	۸۴/۴	۱	۸۰/۲	۳	۸۲/۹	۴
صدرا	-	-	۶۲/۹	۶	۶۷/۲	۵
مجلسی	-	-	۶۹/۶	۵	۶۴/۵	۶
عالیشهر	-	-	-	-	۶۳/۸	۷
هشتگرد	۵۷/۸	۴	۶۰/۱	۷	۶۳/۳	۸
اندیشه	۶۲/۵	۳	۶۹/۸	۴	۵۸/۴	۹
بهارستان	۵۲/۱	۵	۶۰/۱	۷	۳۱/۶	۱۰
گلپه‌ار	-	-	-	-	۳۱/۳	۱۱
فولاد شهر	۰/۰	۶	۱۶/۹	۸،۰	۰،۰	۱۲

منبع: محاسبات نویسندگان براساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

اطلاعات جدول شماره ۳ از آن حکایت دارد که در سال ۱۳۸۵، شهر بهارستان و سهند به ترتیب بهترین و بدترین وضعیت را از نظر سهم جمعیت جوان از کل جمعیت به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۱۳۹۰، شهر صدرا بهترین جایگاه و بالاترین نمره را از نظر وضعیت جمعیت جوان کسب کرده است. یعنی در مقایسه با سایر شهرهای جدید، نسبت جمعیت جوان این شهر بیشتر است. در این سال، شهر مهاجران در استان مرکزی، پایین‌ترین نمره و رتبه را در میان شهرهای جدید از لحاظ سهم جمعیتی جوان در اختیار دارد که جایگزین شهر سهند در سال ۱۳۸۵ شده است. در سال ۱۳۹۵، نیز عالیشهر، صدرا و مهاجران سه شهری هستند که در رتبه‌های بالا از نظر سهم جمعیتی جوان قرار دارند و در مقابل، سهند و پردیس کمترین نمره را در نشانگر مذکور کسب کرده‌اند.

جدول شماره ۳: نمره و رتبه هر شهر جدید از نشانگر سهم جمعیتی جوان، ۱۳۸۵-۹۵

شهر	۱۳۸۵		۱۳۹۰		۱۳۹۵	
	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه
عالی‌شهر	-	-	-	-	۱۰۰/۰	۱
صدرا	-	-	۱۰۰/۰	۱	۹۴/۳	۲
مهاجران	-	-	۰	۹	۹۱/۳	۳
بهارستان	۵۲/۵	۱	۷۸/۶	۳	۷۶/۶	۴
اندیشه	۴۴/۶	۴	۴۶/۴	۵	۶۱/۵	۵
فولاد شهر	۵۱/۸	۲	۷۵/۰	۴	۴۷/۵	۶
هشتگرد	۴۲/۱	۵	۴۴/۶	۶	۴۳/۵	۷
مجلسی	-	-	۸۷/۵	۲	۴۲/۱	۸
گلپه‌ار	-	-	-	-	۱۴/۱	۹
پرند	-	-	-	-	۱۳/۸	۱۰
سپهند	۴۰,۳	۶	۴۱/۱	۷	۴/۴	۱۱
پردیس	۴۹,۶	۳	۱۹/۶	۸	۱/۱	۱۲

منبع: محاسبات نویسندگان براساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

معرف‌های کالبدی_فضایی

نشانگر دیگری که در مطالعه حاضر اقدام به محاسبه آن شده، نشانگر تراکم جمعیت در هریک از شهرهای جدید است. کسب نمره بالا در نشانگر مذکور نشان‌دهنده تراکم کمتر جمعیت در شهر مورد نظر است.

جدول شماره ۴: نمره و رتبه هر شهر جدید از نشانگر تراکم جمعیت، ۱۳۸۵-۹۵

شهر	۱۳۸۵		۱۳۹۰		۱۳۹۵	
	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه
بهارستان	۵۴/۱	۵	۵۱/۳	۷	۱۰۰/۰	۱
اندیشه	۰/۰	۶	۰/۱	۹	۱۰۰/۰	۱
مجلسی	-	-	۹۹/۵	۱	۱۰۰/۰	۱
صدرا	-	-	۵۰/۴	۸	۱۰۰/۰	۱
فولاد شهر	۸۶/۹	۳	۸۷/۵	۳	۹۹/۱	۲
پردیس	۸۴/۷	۴	۸۲/۱	۶	۹۸/۰	۳
مهاجران	-	-	۸۵/۲	۴	۹۵/۹	۴
پرند	-	-	-	-	۹۴/۹	۵
سپهند	۹۲/۹	۲	۸۴/۹	۵	۹۳/۹	۶
عالی‌شهر	-	-	-	-	۹۳/۰	۷
هشتگرد	۹۴/۳	۱	۹۳/۲	۲	۹۲/۸	۸
گلپه‌ار	-	-	-	-	۹۱/۸	۹

منبع: محاسبات نویسندگان براساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

اطلاعات جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵، شهرهای هشتگرد و اندیشه به‌ترتیب بهترین و بدترین وضعیت یا به‌عبارتی دیگر، بالاترین و پایین‌ترین نمره را از نشانگر تراکم جمعیت دارند. در سال ۱۳۹۰، همچنان اندیشه کمترین نمره نشانگر تراکم و در مقابل، مجلسی بالاترین نمره را به‌دست آورده و جایگزین شهر هشتگرد شده است. در سال ۱۳۹۵، شهرهای بهارستان، اندیشه، مجلسی و صدرا به‌طور مشترک، در رتبه اول از نظر تراکم شهری قرار گرفته‌اند و در مقابل، هشتگرد و گلبهار در رده‌های انتهایی قرار دارند.

مطالعات پیشین و نظریه‌های مرتبط نشان داده بودند که یکی از مهم‌ترین عامل‌های تأثیرگذار بر میزان موفقیت هر شهر جدید در جذب جمعیت فاصله آن شهر تا مادرشهر اصلی است. براساس همین موضوع، در مطالعه پیش‌رو، فاصله از مادرشهر اصلی به‌عنوان یکی از نشانگرها برای شهرهای جدید محاسبه و یافته‌ها در جدول شماره ۵، گزارش شده است. شهرهای صدرا و بهارستان در استان‌های فارس و اصفهان بالاترین نمره معرف یا نشانگر فاصله از مادرشهر اصلی را از آن خود ساخته‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که این دو شهر در مقایسه با سایر شهرهای جدید نزدیک‌ترین فاصله از مادرشهر خود را دارند. شهرهای مجلسی و هشتگرد نیز پایین‌ترین نمره نشانگر فوق را به‌دست آورده‌اند که بر دور بودن این دو شهر از مادرشهرهای خود، یعنی اصفهان و تهران، دلالت دارد.

جدول شماره ۵: نمره و رتبه هر شهر جدید از نشانگر فاصله از مادرشهر

رتبه	نمره	مادرشهر	شهر جدید
۱	۱۰۰/۰	اصفهان	بهارستان
۱	۱۰۰/۰	شیراز	صدرا
۲	۹۲/۸	تهران	پردیس
۳	۸۶/۴	اصفهان	فولاد شهر
۴	۸۳/۴	تبریز	سپهند
۵	۷۲/۹	بوشهر	عالی‌شهر
۶	۷۰/۶	اراک	مهاجران
۷	۶۰/۰	تهران	اندیشه
۸	۵۱/۲	تهران	پرند
۸	۵۱/۲	مشهد	گلبهار
۹	۱۵/۵	تهران	هشتگرد
۹	۱۵/۵	اصفهان	مجلسی

منبع: محاسبات نویسنده براساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

معرف‌های جمعیتی

با توجه به کاهش باروری در سال‌های اخیر، بالا بودن بُعد خانوار می‌تواند امتیاز جمعیتی برای شهرهای جدید محسوب شود. با عنایت به این نکته، نشانگر بُعد خانوار برای سه سرشماری اخیر محاسبه و در قالب جدول شماره ۶ آمده است. یافته‌های جدول مذکور نشان می‌دهد که شهرهای فولادشهر، اندیشه و بهارستان در هر سه سرشماری بالاترین نمره و رتبه را از نظر بُعد خانوار کسب کرده‌اند. عالیشهر و گلبهار نیز کمترین میزان بُعد خانوار را به خود اختصاص داده، لذا در رتبه‌های آخر جدول قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۶: نمره و رتبه هر شهر جدید از نشانگر بُعد خانوار ۱۳۸۵-۹۵

شهر	۱۳۸۵		۱۳۹۰		۱۳۹۵	
	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه
فولاد شهر	۱۹/۸	۱	۱۱/۷	۱	۴۹/۸	۱
اندیشه	۹/۲	۲	۱۰/۶	۲	۴۶/۳	۲
بهارستان	۳/۷	۳	۹/۶	۳	۴۴/۵	۳
هشتگرد	۱/۸	۴	۸/۶	۴	۴۲/۰	۴
پردیس	۰/۸	۵	۶/۶	۵	۴۰/۶	۵
سهند	۰/۵	۶	۵/۲	۶	۳۶/۳	۶
مجلسی	-	-	۵/۱	۷	۳۹/۷	۷
صدرا	-	-	۴/۸	۸	۳۹/۶	۸
مهاجران	-	-	۴/۲	۹	۲۴/۶	۹
پرند	-	-	-	-	۱۹/۴	۱۰
عالیشهر	-	-	-	-	۱۷/۵	۱۱
گلبهار	-	-	-	-	۱۶/۵	۱۲

منبع: محاسبات نویسنده براساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

سهم جمعیتی کمتر از ۱۵ ساله‌ها یا به عبارتی دیگر، سهم جمعیتی کودکان نشان‌دهنده سطح باروری جمعیت‌هاست. اطلاعات جدول شماره ۷ از آن حکایت دارد که در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ شهر سهند بهترین وضعیت را از نظر داشتن جمعیت زیر ۱۵ سال به خود اختصاص داده است. در مقابل، شهرهای بهارستان، مهاجران و گلبهار در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ بدترین وضعیت و جایگاه را در میان شهرهای جدید کشور از این منظر جمعیتی تجربه کرده‌اند.

جدول شماره ۷: نمره و رتبه هر شهر جدید از نشانگر سهم جمعیتی کودکان ۹۵-۱۳۸۵

شهر	۱۳۸۵		۱۳۹۰		۱۳۹۵	
	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه
سهند	۲۳/۸	۱	۹۳/۰	۱	۹۹/۴	۱
هشتگرد	۹/۲	۲	۹۲/۴	۲	۹۹/۰	۲
اندیشه	۶/۹	۳	۷۴/۱	۳	۹۴/۵	۳
فولاد شهر	۶/۲	۴	۶۰/۱	۴	۸۴/۸	۴
پردیس	۴/۶	۵	۵۷/۶	۵	۷۹/۳	۵
بهارستان	۰/۰	۶	۵۴/۴	۶	۶۱/۹	۶
مجلسی	-	-	۵۱/۹	۷	۵۵/۱	۷
صدرا	-	-	۵۱/۹	۸	۴۸/۲	۸
مهاجران	-	-	۴۸/۷	۹	۳۱/۹	۹
پرنده	-	-	-	-	۱۱/۰	۱۰
عالیشهر	-	-	-	-	۵/۷	۱۱
گلپهارد	-	-	-	-	۰/۰	۱۲

منبع: محاسبات نویسندگان براساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

میزان رشد ضربدر لگاریتم جمعیت پایه که در تحقیق حاضر نشان‌دهنده عملکرد جمعیتی است برای شهرهای جدید محاسبه و در جدول شماره ۸ گزارش شده است. لازم به توضیح است که با توجه به دسترسی نبودن اطلاعات جمعیتی سال ۱۳۷۵ لذا برای سال ۱۳۸۵ تنها با لگاریتم گرفتن از جمعیت همان سال عملکرد جمعیتی شهرهای جدید محاسبه شده است. در سال ۱۳۹۵، شهرهای اندیشه، فولادشهر و بهارستان بهترین نمره را در عملکرد جمعیتی کسب کرده‌اند و عالیشهر و گلپهارد در رده‌های آخر از نظر عملکرد جمعیتی قرار دارند.

جدول شماره ۸: نمره و رتبه هر شهر جدید از نشانگر عملکرد جمعیتی، ۹۵-۱۳۸۵

شهر	۱۳۸۵		۱۳۹۰		۱۳۹۵	
	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه
اندیشه	۴/۹	۱	۱۲۷/۸	۱	۱۳۴/۱	۱
فولاد شهر	۴/۷	۲	۸۴/۰	۲	۱۲۳/۵	۲
بهارستان	۴/۷	۳	۳۵/۲	۳	۹۸/۰	۳
پردیس	۴/۴	۴	۳۲/۰	۴	۸۹/۸	۴
هشتگرد	۴/۲	۵	۲۸/۹	۵	۷۱/۷	۵
سهند	۴/۰	۶	۲۴/۷	۶	۷۰/۶	۶
مجلسی	-	-	۱۷/۸	۷	۶۰/۸	۷
صدرا	-	-	۹/۷	۸	۵۱/۸	۸
مهاجران	-	-	۸/۲	۹	۴۵/۷	۹
پرنده	-	-	-	-	۲۸/۴	۱۰
عالیشهر	-	-	-	-	۲۴/۹	۱۱

گلبهار	-	-	-	-	۱۸/۷	۱۲
--------	---	---	---	---	------	----

منبع: محاسبات نویسنده براساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

شاخص نهایی جمعیتی_اجتماعی در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵

برای ارزیابی وضعیت جمعیتی_اجتماعی شهرهای جدید به این صورت عمل شده است که با استفاده از معرف‌های در دسترس، برای سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به محاسبه شاخصی کلی اقدام شده است. نشانگرهایی که برای تمامی شهرهای جدید در سه دوره مذکور در دسترس بود شامل نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال، بُعد خانوار، عملکرد جمعیتی به‌عنوان معرف‌های جمعیتی، نسبت جمعیت جوان و میزان بیکاری مردان به‌عنوان معرف‌های اقتصادی، میزان باسوادی به تفکیک جنس به‌عنوان معرف‌های اجتماعی و تراکم شهری به‌عنوان معرف کالبدی است. از مجموع مؤلفه‌های فوق نمره و رتبه نهایی برای هر شهر جدید قابل محاسبه بود که نتایج آن در جدول شماره ۹ ارائه شده است. هدف از این کار بررسی روند تغییرات جمعیتی_اجتماعی شهرهای جدید در فاصله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ است. همان‌طور که مندرجات جدول شماره ۹ نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۵، شهرهای صدرا، بهارستان و اندیشه بالاترین نمرات را کسب کرده‌اند و در مقابل، شهرهای عالیشهر، مجلسی و هشتگرد در پایین‌ترین وضعیت قرار دارند.

جدول شماره ۹. نمره و رتبه شهرهای جدید از شاخص نهایی جمعیتی_اجتماعی ۹۵-۱۳۸۵

شهر جدید	سال					
	۱۳۸۵		۱۳۹۰		۱۳۹۵	
	نمره رتبه	رتبه	نمره رتبه	رتبه	نمره رتبه	رتبه
صدرا	-	-	۱۴/۲	۱	۳۵/۲	۱
بهارستان	۸/۶	۴	۶/۲	۶	۳۳/۱	۲
اندیشه	۴/۲	۶	۱۱/۶	۹	۳۱/۱	۳
مهاجران	-	-	-	۸	۲۶/۰	۴
گلبهار	-	-	۱۷/۱	-	۲۴/۷	۵
سهند	۴/۸	۵	۱۴/۵	۲	۲۴/۵	۶
پردیس	۹/۳	۲	-	۵	۲۴/۴	۷
پرنده	-	-	۱۴/۱	-	۲۳/۹	۸
فولاد شهر	۸/۷	۳	-	۷	۲۳/۷	۹
عالیشهر	-	-	۱۶/۷	-	۲۰/۲	۱۰
مجلسی	-	-	۱۵	۳	۱۷/۳	۱۱
هشتگرد	۱۰/۲	۱	۱۷/۵	۴	۹/۶	۱۲

منبع: محاسبات نویسنده براساس نتایج سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

از آنجایی که برخی شهرهای جدید در سرشماری‌های قبل‌تر، از نقاط شهری کشور به‌شمار نیامده لذا رتبه‌ای در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به خود اختصاص نداده‌اند. شهر جدید صدرا که در سال ۱۳۹۰، رتبه ۱ را کسب کرده بود در سال ۱۳۹۰ نیز همین رتبه را به‌دست آورده است. شهر جدید بهارستان در اصفهان نیز که در سال ۱۳۸۵ از میان ۶ شهر جدید رتبه ۴ را داشته و در سال ۱۳۹۰، به رتبه ۶ تنزل یافته و در دوره آخر، یعنی در سال ۱۳۹۵ رتبه ۲ را به‌دست آورده است. شهر جدید اندیشه نیز، مانند شهر بهارستان، در فاصله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ ابتدا تنزل رتبه را تجربه و سپس به رتبه بالاتری صعود کرده است. شهر جدید مهاجران در استان مرکزی در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، از رتبه ۸ به رتبه ۴ ارتقا یافته است. نکته قابل تأمل وضعیت شهر جدید هشتگرد در استان البرز است که در سال ۱۳۹۵ در میان ۱۲ شهر جدید در رتبه آخر قرار گرفته درحالی‌که در سال ۱۳۸۵، از میان ۳ شهر جدید موجود دارای بهترین وضعیت جمعیتی-اجتماعی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش مطالعه وضعیت و تغییرات جمعیتی-اجتماعی آن گروه از شهرهای جدیدی است که موفق به جذب جمعیت شده‌اند و در سرشماری سال ۱۳۹۵ نیز از نقاط شهری به‌شمار آمده‌اند. تعداد ۱۲ شهر جدید براساس معیارهای فوق شناسایی شدند. درمجموع، شمار شهرهای جدید در زمان تحقیق حاضر، ۳۴ شهر جدید است که ۱۶ فقره از آن دارای سکنه و ۱۲ مورد دارای شهرداری هستند و در اطلاعات مرکز آمار ایران، شهر تعریف شده‌اند. اما سایر شهرهای جدید یا در حال احداث‌اند و/یا هنوز مسکون و/یا بارگذاری جمعیتی نشده‌اند. جمعیت این شهرها در سال ۱۳۹۵، حدود ۷۶۷ هزار نفر، با یک شهر بیش از ۱۰۰ هزار نفر و ۶ شهر در آستانه قرار گرفتن در گروه شهرهای ۱۰۰ هزار نفر و بیشتر، بود. تعداد ۱۶ شهر جدیدی که دارای جمعیت هستند، حدود ۱/۳ درصد از کل جمعیت شهری کشور را در خود جای داده‌اند که نزدیک به یک درصد از کل جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ است.

یکی از اهداف شهرهای جدید جذب جمعیت سرریز شده کلان‌شهرها (مادرشهرها) است. شهر جدید اندیشه پس از تغییر و تحولات جمعیتی، طی دو دهه گذشته و با میزان رشد نسبتاً بالایی که تجربه کرده است، از سال ۱۳۹۵ در گروه شهرهای ۱۰۰ هزار نفر و بیشتر کشور قرار گرفته و براساس اطلاعات سرشماری ۱۳۹۵، تعداد بیشتری از شهرهای جدید هستند که چنانچه میزان رشد فزاینده‌شان تداوم یابد، احتمالاً در سرشماری بعدی کشور، در این گروه از شهرها قرار خواهند گرفت. این شهرها عبارت‌اند از پرند، صدرا، فولادشهر، سهند، بهارستان و پردیس. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم در سال ۱۳۹۵، شمار چنین شهرهایی در کل کشور، ۱۰۱ شهر بوده است. به عبارت دیگر، تنها ۸ درصد از کل

شهرهای کشور دارای چنین جمعیتی هستند و بنابراین ظرفیت بالقوه افزوده شدن ۶ شهر جدید به این تعداد موضوع حایز اهمیتی است. برخی شهرهای جدید طی دوره ۱۰ ساله ۹۵-۱۳۸۵ و دو دوره ۵ ساله در این دهه، میزان رشدهای انفجاری را تجربه کرده‌اند. برای نمونه، جمعیت پرنده در دوره ۹۵-۱۳۸۵ حدود ۳۲ درصد در سال رشد کرده و این میزان در شهر جدید صدرا و سهند به حدود یا بیش از ۲۴ درصد در سال می‌رسد. دیگر شهرهای پرجمعیت مانند پردیس و هشتگرد در همین دوره، میزان رشدهای بالا و به یک معنا غیرمتعارفی، حتی در میان شهرهای کشور داشته‌اند. دیگر شهرهای جدید نیز میزان رشدهای قابل‌توجهی از ۳ تا ۵ درصد در سال را تجربه کرده‌اند، هرچند شمار جمعیت این شهرها به بزرگی شهرهای ذکر شده نیست.

اگر میزان رشد جمعیت شهرهای پرنده و صدرا در دوره ۹۵-۱۳۸۵ را به دو دوره ۵ ساله تجزیه کنیم، میزان رشد دوره اول (۹۰-۱۳۸۵) بیش از دوره دوم (۹۵-۱۳۹۰) است. برای نمونه این میزان برای شهر پرنده حدود ۳۸ درصد نسبت به ۲۸ درصد و برای شهر صدرا حدود ۳۲ درصد نسبت به ۱۸ درصد در سال است. اهمیت این موضوع نیز به این تصور برمی‌گردد که مسکن مهر موجب چنین میزان رشدهای بالایی شده است. البته اسکان جمعیت در مسکن مهر بدون شک یکی از عوامل شدت گرفتن افزایش جمعیت در این شهرهاست. با این حال، چنانچه چنین رشدهای انفجاری تنها به دلیل استقرار جمعیت در مسکن مهر بود، قاعدتاً رشد جمعیت دوره ۹۵-۱۳۹۰ می‌بایست بسیار بیشتر از میزان رشد دوره ۹۰-۱۳۸۵ می‌بود. ضمن اینکه نباید از خاطر دور داشت که مسکن مهر در همان اراضی احداث شده‌اند که پیشتر در طراحی چنین شهرهایی پیش‌بینی شده و قاعدتاً در نهایت می‌بایست در نواحی پر رشدی مثل محدوده متروپل تهران مسکون می‌شدند.

براساس شاخص نهایی جمعیتی و اجتماعی محاسبه شده مشخص شد که شهرهای جدید صدرا، بهارستان و اندیشه به ترتیب بالاترین و شهرهای هشتگرد، مجلسی و عالی‌شهر به ترتیب در پایین‌ترین وضعیت قرار گرفته‌اند. سه شهر فوق‌الذکر که بهترین وضعیت عملکردی را به خود اختصاص داده‌اند به‌طور مشخص، از نظر فاصله از مادرشهر و تراکم جمعیت نیز در وضعیت خیلی مناسبی قرار داشته‌اند. بنابراین می‌توان استنباط کرد که فاصله و تراکم دو مؤلفه حایز اهمیت در عملکرد شهرهای جدید است. عملکرد نسبتاً موفق شهرهای جدید صدرا و اندیشه در مطالعات دیگری (بزی و افراسیابی‌راد، ۱۳۸۸؛ جوهری و مرادی‌مسیحی، ۱۳۹۰) نیز تأیید شده است. اهمیت متغیر فاصله از مادرشهر بر جمعیت‌پذیری شهرهای جدید که برآمده از نتایج این مطالعه است هم هماهنگ با نتایج برخی مطالعات پیشین (شکوهی و همکاران، ۱۳۹۱؛ تیموری و کیوان، ۱۳۹۰) است و هم به‌نوعی با تئوری شهر خطی و بحث‌های سوریا ماتا قابل تبیین است که بر عامل فاصله تأکید دارند.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد جمعیتی شهرهای جدید بیشتر موفقیت‌آمیز و امیدوارکننده بوده است. تغییرات نرخ رشد و حجم جمعیت ساکن در شهرهای جدید در سال‌های اخیر، گویا و مؤید این مطلب است. در حال حاضر، ساکنان شهرهای جدید عمدتاً در قالب خانواده هستند. مسلماً ارتقای کیفیت زندگی ساکنان شهرهای جدید می‌تواند به پایداری و ماندگاری جمعیت آنها کمک نماید. اگرچه تحقیق حاضر به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات و نیز مشمول نبودن موضوع، به مسئله مهم مطبوعیت شهری نپرداخته است، اما بازدیدهای میدانی و مطالعه ویژگی‌های جمعیتی بر این نکته تأکید دارد که برای گروه‌هایی از جمعیت، خصوصاً خانواده‌ها و زوجین، مطبوعیت شهری ارزش و اهمیت زیادی در ارتقای کیفیت زندگی و پایداری جمعیت شهرهای جدید دارد. نتایج این پژوهش برای تعیین راهبردها و تصمیم‌سازی‌های کلان قابل ارائه است. طراحی و اجرای یک آمارگیری اقتصادی-اجتماعی در مورد ساکنان شهرهای جدید خواهد توانست جزئیات بیشتری از وضعیت زندگی ساکنان در شهرهای جدید را مورد ارزیابی و پایش قرار دهد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که دستگاه‌های ذی‌ربط انجام پیمایش فوق‌الذکر را در دستور کار خود قرار دهند.

منابع

- 0 ابراهیم‌زاده، عیسی؛ نگهبان‌مروی، محمد (۱۳۸۳). تحلیلی بر شهرنشینی و جایگاه شهرهای جدید در ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۵: ۱۵۲-۱۷۲.
- 0 استروفسکی، واتسلاف (۱۳۷۸). شهرسازی معاصر از نخستین سرچشمه‌ها تا منشور آتن. ترجمه: لادن اعتضادی. تهران: مرکز نشر انتشارات دانشگاهی.
- 0 اکبرپور سراسکانرود، محمد؛ میرزاجایی، مهدیه (۱۳۸۹). تحلیل عملکرد شهرهای جدید در نظام شهری کشور. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره اول: ۱۳۱-۱۵۰.
- 0 آیتی، حمید و کمیلی، محمد (۱۳۹۰). تحلیلی بر شهرهای جدید به‌عنوان بخشی از مداخله دولت در شهرنشینی با تأکید بر دوره پس از انقلاب اسلامی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی/اسلامی، شماره ششم: ۹۷-۱۰۶.
- 0 جوهری، زهرا؛ مرادی‌مسیحی، وراز (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ایجاد شهرهای جدید در تعادل بخشی به فضای سکونت و اشتغال منطقه‌ای: مطالعه موردی شهر جدید اندیشه. آمایش سرزمین، سال سوم، شماره پنجم: ۹۳-۱۱۰.
- 0 حاتمی‌نژاد، حسین؛ زمانی، زهرا؛ حاجی‌نژاد، صادق؛ قضایی، محمد (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی شهرهای جدید در ایران. سپهر، دوره بیست و دوم، شماره ۸۸: ۴۷-۵۷.

- 0 حسین‌زاده‌دلیر، کریم؛ قربانی، رسول؛ تقی‌زاده‌فانید، ابوالقاسم (۱۳۹۱). بررسی کارکرد شهرهای جدید در ایران در جذب سرریز جمعیت مادرشهرها: مطالعه موردی شهر جدید سهند. *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تبریز*، سال ۱۶، شماره ۴۰: ۴۷-۷۴.
- 0 خداحرم، بزی؛ افراسیابی‌راد، محمدصادق (۱۳۸۸). سنجش و ارزیابی میزان موفقیت و کارایی شهرهای جدید: مطالعه موردی شهر جدید صدرا. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال اول، شماره دوم: ۱۱-۱۳۴.
- 0 داداش‌پور، هاشم؛ اکبرنیا، مریم (۱۳۹۲). تحلیل خوداتکایی شهرهای جدید در مناطق کلان‌شهری. *مطالعه موردی شهر جدید پردیس در منطقه کلان‌شهری تهران. آمایش جغرافیایی فضایی*، دوره ۳، شماره ۱۰: ۴۴-۶۵.
- 0 رستمعلی‌زاده، ولی‌الله؛ قاسمی‌اردهایی، علی (۱۳۹۶). ماندن یا ترک کردن: چالش‌های مهاجرتی جوانان روستایی. *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، دوره ۸، شماره ۲: ۲۸۵-۲۹۹.
- 0 زارع، جواد (۱۳۷۳). نگرشی نوین بر ساختار اقتصادی-اجتماعی و کالبدی شهرهای جدید در ایران. *مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی*. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی.
- 0 زیاری، کرامت‌الله (۱۳۷۸). *برنامه‌ریزی شهرهای جدید*. تهران: انتشارات سمت.
- 0 شکوهی، محمداجزا (۱۳۸۱). *یک مدل توسعه مرحله‌ای برای شهرهای جدید*. تجربه: شهرهای جدید انگلستان، *تحقیقات جغرافیایی*، دوره ۱۷، شماره ۲-۳ (پیاپی ۶۵-۶۶): ۹۵-۱۱۵.
- 0 شکوهی، محمداجزا؛ مهدی، قرحلو؛ فروغ خزایی‌نژاد (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر جمعیت‌پذیری شهرهای جدید اقماری: مطالعه موردی شهر جدید اندیشه. *پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی*، شماره ۷۹: ۷۵-۸۶.
- 0 فتاحی، مهکامه (۱۳۹۵). *سطح‌بندی شهرهای جدید از دیدگاه شاخص‌های کالبدی مسکن با استفاده از تکنیک TOPSIS: مطالعه موردی شهرهای جدید منطقه شهری تهران*. کنفرانس بین‌المللی نخبگان عمران، معماری و شهرسازی، تهران ۱۲ خرداد ماه، سال ۱۳۹۵.
- 0 قرحلو، مهدی؛ پناهنده‌خواه، موسی (۱۳۸۸). ارزیابی عملکرد شهرهای جدید در جذب جمعیت کلان‌شهرها: مطالعه موردی شهرهای جدید اطراف تهران. *پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی*، شماره ۶۷: ۱۷-۲۵.
- 0 قرحلو، مهدی؛ عابدینی، اصغر (۱۳۸۸). ارزیابی چالش‌ها و مشکلات شهرهای جدید و میزان موفقیت آنها در ایران: شهر جدید سهند. *فصلنامه مدرس علوم/انسانی*، دوره ۱۳، شماره ۱: ۱۶۵-۱۹۱.
- 0 کامران، فریدون؛ حسینی، سید احمد؛ ذبیحی‌نیا، خدیجه (۱۳۸۸). بررسی مشکلات فرهنگی-اجتماعی زندگی آپارتمانی شهر جدید پردیس. *پژوهش/اجتماعی*، دوره ۲، شماره ۵: ۲۱-۴۰.
- 0 منوری، سید مسعود؛ طبیبیان، سحر (۱۳۸۵). تعیین عوامل زیست محیطی در مکان‌یابی شهرهای جدید در ایران. *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره ۸، شماره ۳: ۱-۱۰.

- 0 وارثی، حمیدرضا؛ احمدیان، مهدی؛ غلامحسینی، رحیم (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی عملکرد جمعیت‌پذیری شهرهای جدید در ایران: مطالعه موردی شهر جدید مهاجران. *برنامه‌ریزی فضایی*، سال سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۱): ۱۳۳-۱۵۴.
- 0 هیراسکار، جی.کی (۱۳۷۶). *درآمدی بر برنامه‌ریزی شهری* ترجمه: محمد سلیمانی و احمدرضا یکانی فرد. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- 0 یاران، علی؛ محمدی خوش‌بین، حامد (۱۳۹۱). بررسی خودکفایی در شهرهای جدید مقایسه تجربه ایران (شهر جدید هشتگرد) و کره جنوبی. *انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*، شماره ۴: ۹۹-۱۱۲.
- 0 Alexander, A (2009). *Britain's new towns*. London and New York: Routledge.
- 0 Beevers, R (1988). *The garden city utopia: A critical 30-biography of Ebenezer Howard*. London: Palgrave Macmillan.
- 0 Hall, P (1974). The containment of urban England. *The Geographical Journal*, 140 (3): 386-408.
- 0 Kenny, L.W., and Reinke, A (2011). The role of income in the formation of new cities. *Public Choice*, 149 (1/2): 75-88.
- 0 Long, J.; Faught, S.; Johnson, C. (2012). Role of community satisfaction and community attachment in the out-migration of rural residents. *Management and Marketing Research*, 11: 1-11.
- 0 Pretty, G.; Bramston, P.; Patrick, J.; Pannach, W. (2006). The relenence of community sentiments to Australian rural youth intention to stay in their home communities. *American Behavioral Scientist*, 15(2): 226-240.
- 0 The Bulletin of the Museum of Modern (1947). The new city in Brazil. *The Museum of Modern Art*, 14 (3): 4-11.
- 0 Turner, A and Smulian, J (1971). New cities in Venezuela. *The Town Planning Review*, 42 (1): 3-27.
- 0 Rushman, G (1976). Towards new cities in Australia. *The Town Planning Review*, 47 (1): 4-25.
- 0 Smith, P.J (1966). Changing objectives in Scottish new towns policy. *Association of America Geographers*, 56 (3): 492-507.
- 0 Ziari, K (2006). The planning and functioning of new towns in Iran. *Cities*, 23(6): 412-422. <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0264275106000758>.